

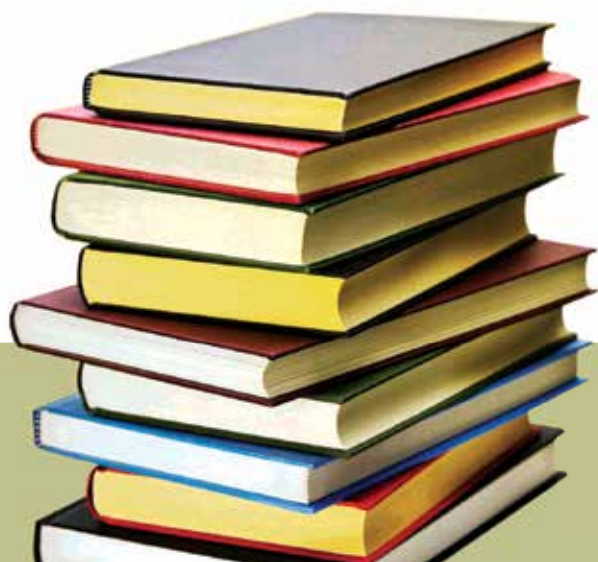


# عدالت

می‌رسد به دلیل زیر ساختارهای نادرستی که تاکنون وجود داشته‌اند، نباید همه چیز را مساوی توزیع کنیم. از یک طرف، امکانات و منابع آموزشی و انسانی، و ساختمان و تجهیزات است که در استان‌های مرزی کشور وجود دارند، با استان‌های مرکزی به هیچ عنوان قابل مقایسه نیستند. از طرف دیگر، در اطراف شهرهای بزرگ مناطقی وجود دارند که دست کمی از مناطق محروم ندارند. منظور از توزیع امکانات آموزشی و فرصت یادگیری هم صرفاً میز و صندلی و رایانه نیست که با توزیع خوب آن‌ها عدالت آموزشی رخ دهد، بلکه مهم‌تر از آن، فرصت یادگیری و منابع انسانی است؛ یعنی شرایطی فراهم شود که در روستاها و مناطق مرزی هم معلم مجرب، با استعداد و توانمند خدمت کند. در حالی که اکنون شرایط ما این‌گونه نیست. به‌عنوان مثال، اگر فرض کنیم هر کلاس ۲۰ نفره باید یک معلم داشته باشد، در یک روستا ممکن است یک سرباز معلم کلاسی ۵ نفره داشته باشد، ولی کلاسی ۲۵ نفره در تهران، از دبیری با سابقه بهره‌مند باشد. مشخص است که این از عدالت آموزشی به‌دور است. منظورم از توزیع منابع انسانی، رعایت عدالت در چنین شرایطی است. یکی از راهبردهای جدی سند تحول، بحث عدالت

یکی از شرایط لازم برای ایجاد هر جامعه‌ی متعالی، پویا و توسعه‌یافته، دستیابی به عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی است که زمینه را برای دستیابی به عدالت اجتماعی نیز فراهم می‌کند. بنابراین، هرچه این پدیده بیشتر تعمیم پیدا کند، قطعاً به پایداری اجتماع کمک خواهد کرد و جامعه پیشرفت و توسعه بیشتری خواهد یافت. در شرایط فعلی، آیا می‌توان کاری کرد که در فرصت‌های یادگیری برای دانش‌آموزان، تعادل و توازن فراهم شود و هر دانش‌آموز متناسب با ظرفیت خود، فرصت یادگیری داشته باشد و تا جایی که فرصت و استعداد او اقتضا می‌کند، رشد کند؟

هر سال وقتی به آمار قبولی دانشگاه‌های دولتی نگاه می‌کنیم، به تفاوت معنی‌دار تعداد قبول‌شدگان مدارس دولتی و غیردولتی پی می‌بریم. این واقعاً دردناک است و فاصله ما را تا ایجاد عدالت پایدار آموزشی نشان می‌دهد. از طرف دیگر، در دوران کرونا، می‌بینیم که در آموزش‌های مجازی باید حداقل‌هایی برای دانش‌آموزان فراهم باشد که متأسفانه در بسیاری از نقاط کشور و حتی در تهران، فراهم نیست. عدالت آموزشی چیست؟ گاهی از عدالت به معنای توزیع مساوی امکانات و منابع یاد می‌کنند، ولی به نظر



# آموزشی

کن و به نسبت فقر آموزشی‌شان، بیشتر روی روستاها سرمایه‌گذاری کن».

آیا می‌توان برای دبیران دستمزدی حداقلی در نظر گرفت، ولی توقعی حداکثری از آنان داشت؟ یا از طبقه متوسطی که به حداقلی از امکانات آموزشی مانند اینترنت و گوشی همراه هوشمند دسترسی ندارند، توقع قبولی بالا در دانشگاه‌های دولتی را داشت؟!

آنچه امروزه بر همه واضح است، فاصله زیاد واقعیت با خواسته‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که فاصله زیاد ما را با ایجاد عدالت آموزشی نشان می‌دهد. جنبه دیگر این عدالت، نگاه درست به متولیان ایجاد آن یعنی معلم‌هاست. انتظار وسیع و فشارهایی که امروزه در غیاب خانه و جامعه بر دوش آنان نهاده شده، در بسیاری موارد به خستگی مفرط معلم و تنش و بیماری‌های عصبی می‌انجامد و این موضوع، علاوه بر تهدید سلامت این قشر، بر عملکرد آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، بنابراین، علاوه بر حمایت حرفه‌ای، لازم است شرایط کار در مدرسه به نحوی سازمان‌یابید که رضایت معلمان را تأمین کند. در این صورت، آموزش و پرورش که تحرک و انعطاف را به جامعه می‌بخشد، خود نیز طراوت و تازگی خواهد یافت.

سردبیر

آموزشی است. البته در سند واژه عدالت تربیتی مطرح شده است که اعم از آموزش و پرورش مصطلح امروز ماست. از مجموعه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی رایج با عنوان تربیت یاد می‌شود؛ مجموعه فعالیت‌هایی که به تقویت مهارت‌ها و توانمندی‌های فرد و شایستگی‌های او در تمام ساحت‌های وجودی وی کمک می‌کنند. در واقع، وقتی گفته می‌شود تربیت، صرفاً بعد مذهبی یا اخلاقی یا سیاسی آن مد نظر نیست، بلکه تربیت فناورانه، هنری، زیستی و بدنی مطرح‌اند که در سند تحول از همگی این‌ها با عنوان تربیت یاد شده است. در سند تحول، بارها از کلمه عدالت نام برده شده است و در بخش اهداف هم به تربیت انسان عدالت‌خواه اشاره شده است. آیا با توجه به شرایط امروز جامعه می‌توان انتظار داشت خروجی دانش‌آموزان تربیت‌شده در این نظام، افرادی با ویژگی‌های برجسته عدالت‌خواهی و عدالت‌جویی باشد؟ استادی در باب ایجاد عدالت آموزشی به نکته جالبی اشاره کرده است: «عدالت یا افقی است یا عمودی. عدالت افقی در آموزش یعنی همان تعداد کلاس و معلم و سایر امکانات آموزشی که شهرها دارند و روستاها هم به نسبت جمعیتشان باید داشته باشند، اما عدالت عمودی می‌گوید تفاوت‌ها را لحاظ